

عوامل مؤثر بر تغییر کارآفرینی ترکیبی به کارآفرینی تمام وقت با تاکید بر نقش تئوری یادگیری تجربی

سید محسن لطفی آشتیانی^۱، سید محمد حسین لطفی آشتیانی^۲، سمیرا شریفی^۳

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن (نویسنده مسئول)

^۲ دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

^۳ دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

چکیده

هدف این مقاله بررسی عواملی است که یک کارآفرین به طور همزمان هم کسب و کار خود را اداره می کند و هم برای دریافت دستمزد برای دیگران کار می کند ترغیب شود کار برای دیگران را رها کند و فقط به اداره و توسعه کسب و کار خود بپردازد. در این تحقیق ۴ عامل ترس از شکست، خطر درک شده، توسعه صلاحیت کارآفرینی و خودکارآمدی مورد بررسی قرار گرفته است که پیش بینی می شود بر تصمیم تغییر تأثیر بگذارد. این مقاله کارآفرینی ترکیبی را به عنوان یک زمینه یادگیری و مسیر مؤثر برای کارآفرینی تمام وقت معرفی می کند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-همبستگی به بررسی این موضوع پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش ۲۳۰۰ نفر از کارآفرینان برتر شهر تهران بودند که از فرمول کوکران تعداد ۳۳۰ نفر از آن ها به روش تصادفی ساده مورد بررسی قرار گرفتند. بر اساس نتایج به دست آمده بین یادگیری تجربی حاصل از کارآفرینی ترکیبی و احتمال انتقال کارآفرینی ترکیبی به کارآفرین تمام وقت رابطه معنی داری وجود داشت. یادگیری تجربی حاصل از کارآفرینی ترکیبی رویکرد های ترس از شکست، ریسک ادراک شده، توسعه شایستگی کارآفرینی و خودکارآمدی را دنبال می کنند و تأثیرات مثبت قابل توجهی در معنا سازی، جهت دهی و همدلی دارند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن توسط متخصص و پایایی آن از طریق محاسبه آلفای کرون باخ که برای کلیه قسمت ها بیشتر از ۰/۷۰ بود مورد تأیید قرار گرفت. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. ابتدا با استفاده از آمار توصیفی از وضعیت و ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان با استفاده از نرم افزار SPSS22 آگاهی یافته و در ادامه برای بررسی و آزمون فرضیه ها و بررسی روابط علی متغیرهای موجود در تحقیق از مدل - سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS22 استفاده شده است.

واژه های کلیدی: کارآفرینی ترکیبی، کارآفرینی تمام وقت، تئوری یادگیری تجربی

مقدمه

کارآفرینی ترکیبی، حالتی از راه اندازی کسب و کار است که در آن افراد، یک شغل اولیه حقوق بگیری و یک شغل ثانویه خویش فرمایی دارند (فولتا ۲۰۱۰). کارآفرینان تمام وقت نیز شامل تمام مالکان /مدیران بنگاه های کسب و کار خصوصی هستند که علاوه بر خود، حداقل برای سه نفر دیگر اشتغال ایجاد کرده اند.

گزارش سال ۲۰۰۳ گزارش جهانی کارآفرینی نشان داد که بیش از ۸۰ درصد کارآفرینان نوپا درحالی کسب و کار خود را آغاز میکنند که یک شغل حقوق بگیری هم دارند (رینولد ۲۰۰۳). اما لازم به ذکر است که شروع یک کار نیمه وقت لزوماً نشان دهنده تمایل به ورود به کارآفرینی تمام وقت نیست. باین حال، در برخی موارد، به دلایل مختلف ممکن است در ابتدا این کار، به کارآفرینی تمام وقت ترجیح داده شود. یکی از دلایل اصلی انتخاب این استراتژی ترجیحی، فرآیند یادگیری مرتبط با کارآفرینی ترکیبی است. در این روش، مسیر پیچیده کارآفرینی بواسطه ترکیب حقوق بگیری؛ باعث کاهش ریسک می شود (تورگان و همکاران، ۲۰۱۶). انتقال از کارآفرینی ترکیبی به تمام وقت، عمدتاً تحت تأثیر یادگیری تجربی است که در طول کارآفرینی ترکیبی اتفاق می افتد، زیرا اینگونه از یادگیری به مقدار توانایی و مهارت آموخته شده مختلف برای موفقیت در کارآفرینی تعبیر می شود. رائی نشان می دهد که یادگیری، یکی از مولفه های اساسی فرآیند کارآفرینی است که شامل فعالیت های اجتماعی و رفتاری است. هنگامی که یادگیری به اندازه کافی صورت گیرد و کارآفرین ترکیبی، دانش لازم را کسب کند، می تواند تصمیم به شروع یک کارآفرینی تمام وقت، حفظ یک حالت ترکیبی یا احتمالاً خروج از آن سرمایه گذاری کند. این نشانگر ورود مرحله ای به کارآفرینی تمام وقت است. با این وجود، فقط وقتی توانایی استفاده از مهارت های آموخته شده را داشته باشید، ورود به کارآفرینی کارآفرینی تمام وقت ممکن خواهد شد (فریا و همکاران ۲۰۲۱). اوایل دهه ۱۹۵۰ پژوهشگران به بررسی عوامل شخصیتی پرداختند که احتمالاً به کارآفرین شدن افراد منجر میشد. در این زمینه تلاش های علمی مک لند باعث شد، شایستگیهای فرد کارآفرین به عنوان یک ویژگی دائمی وارد حوزه تحقیقاتی کارآفرینی شود. شایستگیهای کارآفرینانه عبارت از دانش ها، مهارت ها و نگرش هایی هستند که بر تمایل و توانایی اقدامات کارآفرینانه، یعنی ایجاد و خلق ارزش جدید، تأثیر میگذارند (سلسویک، ۲۰۱۷). درواقع، شایستگیهای کارآفرینانه مجموعه ای از ویژگیها هستند که باعث توسعه موفقیت آمیز کسب و کار می شوند (ناتهان ۲۰۰۶). ماهیت شایستگیهای کارآفرینانه را می توان ترکیبی از مهارت های ذاتی و اکتسابی دانست؛ بنابراین میتوان نقش آموزش های کارآفرینی را در شناسایی فرصت های کارآفرینی به واسطه ایجاد شایستگیهای کارآفرینانه، مؤثر نشان داد (غلامی و همکاران، ۱۳۹۴).

با توجه به مطالب ذکرشده، مطالعه حاضر به نقش عواملی که باعث می شود که یک کارآفرینی ترکیبی، یعنی کسی که هم برای دیگران کار انجام می دهد و هم برای خود کسب و کار دارد حاضراست ریسک کند و از دریافت دستمزد انصراف دهد و تمام وقت خود را صرف کسب و کار خود نماید انجام شد. این تحقیق شکاف بین تحقیق های صورت گرفته در گذشته را با

Thorgren^۱.

بررسی چهار عامل ترس از شکست، ریسک ادراک شده، توسعه شایستگی کارآفرینی و خود کارآمدی در سایه یادگیری تجربی
پر می کند.

ادبیات نظری

یادگیری تجربی

در زمینه آموزش کارآفرینی دو رویکرد سنتی و بدیل وجود دارد که در رویکرد سنتی تمرکز بر انتقال دانش و اطلاعات است و ریشه در روش های سنتی آموزش های مدیریت و کسب و کار دارد اما رویکرد جدید مبتنی بر مدل های یادگیری شناختی است که یادگیری شناختی بر همین پایه استوار شده است (صالحی و همکاران، ۲۰۱۱ و شاول، ۲۰۰۴). یادگیری تجربی به عنوان توالی از رویدادها تعریف می شود که نیازمند درگیری فعال شخص در موضوعات مختلف است. اهداف متعددی برای یادگیری تجربی وجود دارند اما هدف اصلی این است که شخص به وسیله درگیری فعال به بهترین صورت یاد بگیرد. (کولان، ۱۹۷۶) اعتقاد داشت که یادگیری تجربی مزایای زیادی دارد و به انگیزش درونی فرد وابسته است. مهم تر از آن اینکه کولان اعتقاد داشت یادگیری از طریق مفاهیم تجربی نسبت به یادگیری از طریق اطلاعات کسب شده از کلاس سنتی، سخت تر فراموش می شوند (کارلند، ۱۹۹۷).

۲

در تئوری یادگیری تجربی، یادگیری به صورت "فرآیندی تعریف می شود که به وسیله آن دانش از طریق انتقال تجربه ساخته می شود." دانش از ترکیب بدست آوردن تجربه و تغییر شکل دادن آن حاصل می شود (شن و همکاران، ۲۰۰۶). انتقال از کارآفرینی ترکیبی به تمام وقت، عمدتاً تحت تأثیر یادگیری تجربی است که در طول مرحله کارآفرینی ترکیبی اتفاق می افتد، زیرا اینگونه از یادگیری به مقدار توانایی و مهارت آموخته شده مختلف برای موفقیت کارآفرینی تعبیر می شود. تحقیقات متعددی مبین تأثیر یادگیری تجربی در توسعه قابلیت ها و مهارت های کارآفرینانه از طریق آموزش های کارآفرینانه کارآمد و مبتنی بر این سبک یادگیری می باشد. به طوریکه نتایج حاصل از تحقیق (وودیر و هریس، ۲۰۱۰) نشان داد که یادگیری تجربی به عنوان یک رهیافت یادگیری اثربخش میتواند در زمینه آموزش های کارآفرینی مورد استفاده قرار گیرد و این طریق فراگیران میتواند دانش، مهارت و بینش لازم را در خصوص کارآفرینی و آینده شغلی خود کسب نمایند (وونگ و آیوکودر سال ۲۰۱۰ در تحقیقی با عنوان رویکرد یادگیری تجربی به آموزش کارآفرینی در آموزش های مربوط به کسب و کار دریافتند که این امر میتواند سبب توسعه مهارت های کارآفرینانه مورد نیاز برای شروع موفقیت آمیز کسب و کارهای کارآفرینانه توسط فراگیران گردد. کارلسون و موبرگ در سال ۲۰۱۳ در تحقیق خود در زمینه بهبود مهارت های کارآفرینانه از طریق آموزش دریافتند که این آموزشها سبب توسعه خودکارآمدی کارآفرینانه، نگرش کارآفرینانه و رفتار شروع کسب و کار میگردد. علاوه بر این، بسیاری از محققین به تأثیر یادگیری تجربی بر خودکارآمدی کارآفرینانه تأکید داشتند. اریکسون در سال ۲۰۰۳ بیان میدارد یکی از موثرترین راههای توسعه خودکارآمدی کارآفرینانه بهره گیری از یادگیری تجربی است، همچنین درگیر شدن فراگیران به

۲. Carland

۳. Shen

شکلی فعال در فعالیتهای تجربی میتواند سبب بهبود و توسعه خودکارآمدی کارآفرینانه و موفقیت آنها در این زمینه شده است (هریسون، ۲۰۰۵).

کارآفرینی ترکیبی و تمام وقت

سهام قابل توجهی از همه کارآفرینان هم برای دیگران کار می کنند و هم کسب و کار خود را اداره می کنند. آنها فعالیت های کسب و کار خود را که درعین حال برای دریافت دستمزد برای دیگران کار می کنند شروع می نمایند. (فلوتا و همکاران، ۲۰۱۰).

کارآفرینانی که دارای عدم اطمینان بیشتری هستند ممکن است به صورت منطقی کارآفرینی ترکیبی را انتخاب کنند تا تعهد خود را محدود واز میزان عدم اطمینان خود بکاهند .

اجبار کارآفرینان ترکیبی در مراحل بعدی با تصمیم گیری در رابطه با خود اشتغالی کامل یا نیمه وقت مواجه خواهند شد تصمیم در این مورد بستگی به عوامل شخصی، هدف از کارآفرینی و یادگیری تجربی قرار دارد (فربا، ۲۰۲۱).

کارآفرینی تمام وقت هنگامی صورت می پذیرد که فرد از شغل های دیگر خود استعفا می دهد و فقط زمان و هزینه خود را صرف گسترش کسب و کار خود می کن (گیلوای و مهدیزاده، ۱۳۹۸).

الف) ترس از شکست

ترس از شکست هم رفتار کارآفرینانه را باز می دارد و هم آن را تشویق می کند و بنابراین فرصتی غنی برای درک بهتر انگیزه کارآفرینانه را نشان می دهد. اگرچه توجه بسیاری به مطالعه ترس از شکست در کارآفرینی اختصاص داده شده است، اما دانشمندان این ساختار را از دیدگاه رشته های مجزا مورد بررسی قرار داده اند. این دیدگاه ها از تعاریف و مقیاس های ترس از شکست استفاده کرده است که به طور بالقوه باهم در تضاد هستند و توسط رویکرد ایستا مشخص شده اند، در نتیجه اعتبار یافته های موجود در مورد رابطه بین ترس از شکست و کارآفرینی را محدود می سازد. (کاکسیوتی و همکاران، ۲۰۱۶).

پ) توسعه شایستگی کارآفرینی

کارآفرینان ترکیبی باید شایستگی های کارآفرینی خود را تعیین کنند. از آنجا که این صلاحیت ها فقط در صورت استفاده قابل تعیین است، مرحله ترکیبی به کارآفرینان اجازه می دهد تا تمایل خود به سمت کارآفرینی را در یک محیط کم خطر ارزیابی کنند. موریس و همکاران تلاش دانشمندان را، هم در تحقیقات و هم در آموزش کارآفرینی، برای تمایز بین مهارت ها یا مهارت های خاص کارآفرینی و مهارت های عمومی بیشتر تجاری مورد بحث قرار می دهد. در حالی که مهارت های تجاری

^۴. Folta

^۵. Cacciotti

^۶ Morris et al.

مانند حسابداری و مدیریت موجودی از اجزای حیاتی فعالیت های روزمره یک کسب و کار است، موریس و همکاران نشان می دهد که مجموعه متمایزی از سیزده شایستگی لازم برای موفقیت کارآفرینی وجود دارد. تحقیقات آنها مشخص کرد که به دنبال یادگیری تجربی در یک زمینه کارآفرینی، پیشرفت هایی در بین هر سیزده صلاحیت کارآفرینی مشاهده شده است که تغییرات قابل توجهی برای نه شایستگی ذکر شده است. (فریرا ۲۰۲۱)

ت) خودکارآمدی

تحقیقات نشان داده است که ارتباطی بین داشتن خودکارآمدی بالا در فرد و تصمیم گیری برای ورود به کارآفرینی وجود دارد. برکت و همکاران خودکارآمدی را به عنوان "اعتقاد فرد در مورد مهارت ها و توانایی های خود در رابطه با فعالیت کارآفرینی" تعریف می کند. از آنجایی که خودکارآمدی کارآفرینی به عنوان پیش زمینه حیاتی اقدام کارآفرینی تلقی می شود، در مطالعات مشخص شده است که نقش مهمی در ایجاد سرمایه گذاری های جدید دارد. درنوو و همکاران رابطه بین خودکارآمدی کارآفرینی و اعتماد به نفس را بررسی کردند و از خودکارآمدی به عنوان اعتماد به نفس کارآفرین یاد کرد. با افزایش شایستگی یک کارآفرین، اعتماد به نفس او در توانایی خود افزایش می یابد و این امر منجر به افزایش خودکارآمدی می شود که این تغییرات در شایستگی و اعتماد به نفس، نتیجه دانش حاصل از تجربیات به عنوان یک کارآفرین ترکیبی است. (فریرا ۲۰۲۱). از طرفی خودکارآمدی و ادراک از خطر پذیری بر منطق تصمیم گیری کارآفرینانه تاثیر میگذارد (استرو و همکاران).

ترس از شکست و ریسک ادراک شده

ترس از شکست یکی از موانع فردی است که بر کارآفرینی تاثیر گذار است هنگامی که ترس ایجاد می شود می تواند بر روی تصمیم گیری فرد نیز تاثیر گذار باشد (ونبرگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ فوو، ۲۰۰۶؛ گنجی، ۲۰۰۷) به گفته دنیز و همکاران، خطر و ظاهراً تصورات آن، در قلب ترس از شکست برای کارآفرینان نهفته است (دنیز و همکاران، ۲۰۱۱). از طریق کارآفرینی ترکیبی، یک کارآفرین می تواند ترس خود از شکست را کاهش دهد و در نتیجه احتمال انتقال وی به کارآفرینی تمام وقت افزایش یابد. اساساً ترس از شکست در یک سرمایه گذاری با ریسک پذیری آن مرتبط است. این ارتباط جدایی ناپذیر بین ادراک ریسک و ترس از شکست را می توان در مطالعات گوناگون یافت که در آن ترس از شکست غالباً از نظر ریسک گریزی تعریف شده است.

در مطالعات کارآفرینی ترکیبی به صراحت ریسک گریزی به عنوان محرک ورود به کارآفرینی تمام وقت ذکر شده است. در این مطالعات نشان داده شده است که حفظ شغل با حقوق و دستمزد به کارآفرینان ترکیبی این امکان را می دهد تا میزان ریسک خود را به دلیل کاهش فشارهای مربوط به سودآوری و کسب درآمد پایدار کاهش دهند. (فریرا ۲۰۲۱). از آنجا که ترس از شکست را می توان ریسکی دانست که برای یک سرمایه گذاری جدید ایجاد شده است، کاهش ریسک ادراک شده به طور خودکار ترس از شکست را کاهش می دهد و در نتیجه، احتمال انتقال به یک کارآفرینی تمام وقت را افزایش می دهد.

^۱Drnov_sek

^۲Deniz et al

^۳ferriea

پیشینه تحقیق:

سلیمانی و شهرکی (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر یادگیری تجربی بر پیشرفت کارآفرینی دانشجویان پرداختند بر اساس نتایج به دست آمده نتایج تحقیق نشان داد که استفاده بیشتر از یادگیری تجربی در آموزش کارآفرینی به تأثیرگذاری بیشتر دوره های آموزشی کارآفرینی در راستای فعالیت کارآفرینانه دانشجویان منجر می شود. در این تحقیق تأثیر یادگیری تجربی بر ریسک ادراک شده کارآفرین تابید شد.

رضایی (۱۳۹۸) در تحقیق خود تحت عنوان رابطه بین خودکارآمدی کارآفرینانه و نیت کارآفرینی نشان داد بین خودکارآمدی کارآفرینانه و نیت کارآفرینی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

حاج کاظمیان و همکاران در سال ۱۳۹۷ در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه بین استعداد کارآفرینی و خودکارآمدی کارآفرینانه با در نظر گرفتن تأثیر آموزش کارآفرینی به این نتیجه رسیدند که بین استعداد کارآفرینی و خودکارآمدی کارآفرینانه رابطه معناداری وجود دارد همچنین آموزش مبتنی بر کارآفرینی راهبردی اساسی در تربیت کارآفرینان تمام وقت می باشد.

دیانتی و همکاران در سال ۱۳۹۶ تحقیقی تحت عنوان تأثیر خودکارآمدی کارآفرینانه بر تشخیص فرصت ها با ملاحظه نقش اشتیاق کارآفرینانه شرکت های دانش بنیان مستقر در پارک های علم و فناوری استان تهران نشان دادند که خودکارآمدی کارآفرینانه بر اشتیاق کارآفرینانه و تشخیص فرصت ها تأثیر گذار است.

نتایج تحقیق غیائی در سال ۱۳۹۵ تحت عنوان تأثیر باور به خودکارآمدی و نگرش کارآفرینی با قصد کارآفرینی دانشجویان کشاورزی نشان داد باور به خودکارآمدی ارتباط معناداری با قصد کارآفرینی دارد.

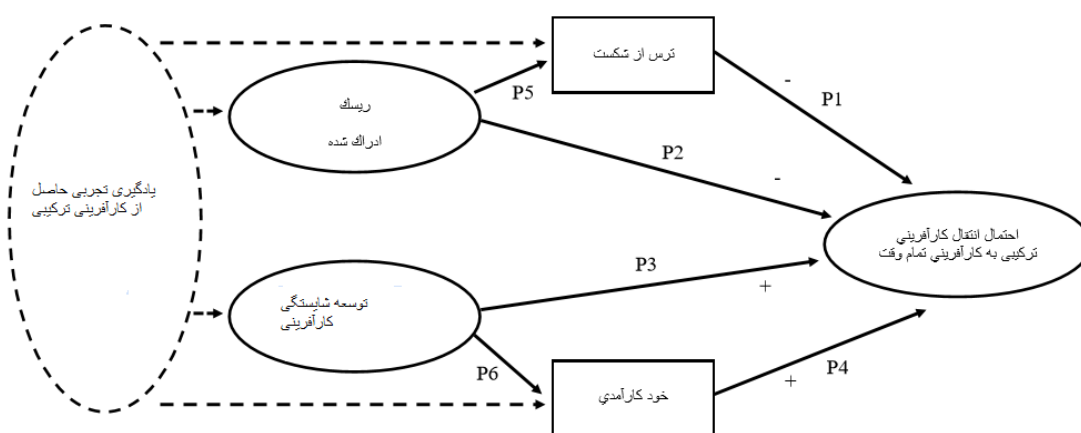
سولسویک و همکاران (۲۰۱۷) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که کارآفرینان ترکیبی نباید به عنوان یک گروه همگن در نظر گرفته شوند: برخی کارآفرینان ترکیبی ممکن است همیشه در شغل خود باقی بمانند و برخی دیگر ممکن است به کارآفرینان تمام وقت تبدیل شوند. نتایج، دلالت بر این دارد که سیاست گذاران تمایل دارند کارآفرینی ترکیبی را تشویق کنند و محققان مایل به انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه هستند.

بر اساس نتایج فریا و همکاران (۲۰۲۱) چهار عامل ترس از شکست، ریسک درک شده، توسعه صلاحیت کارآفرینی و خودکارآمدی می توانند بر تصمیم تغییر تأثیر بگذارد. این مقاله کارآفرینی ترکیبی را به عنوان یک زمینه یادگیری و مسیر مؤثر برای کارآفرینی تمام وقت معرفی می کند. با توجه به مرور ادبیات و پیشینه تحقیق مدل مفهومی پژوهش حاضر به شکل زیر هست.

فرضیات

۱. یادگیری تجربی بر ترس از شکست تأثیر دارد
۲. یادگیری تجربی بر ریسک ادراک شده تأثیر دارد
۳. یادگیری تجربی بر توسعه شایستگی کارآفرینی تأثیر دارد
۴. یادگیری تجربی بر خودکارآمدی تأثیر دارد

۵. ریسک ادراک شده بر احتمال کارآفرینی ترکیبی به کارآفرینی تمام وقت تاثیر دارد
۶. ریسک ادراک شده بر ترس از شکست تاثیر دارد
۷. ترس از شکست بر احتمال کارآفرینی ترکیبی به کارآفرینی تمام وقت تاثیر دارد
۸. توسعه شایستگی کارآفرینی بر احتمال کارآفرینی ترکیبی به کارآفرینی تمام وقت تاثیر دارد
۹. خودکارآمدی بر احتمال کارآفرینی ترکیبی به کارآفرینی تمام وقت تاثیر دارد
۱۰. توسعه شایستگی کارآفرینی بر خودکارآمدی تاثیر دارد



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

یافته‌های پژوهش و تحلیل داده‌ها

کارآفرینان برتر شهر تهران با حجم نمونه ۳۳۰ نفر براساس روش تصادفی ساده، مطابق با جدول مورگان انتخاب شدند. اجرا شد ابزار پژوهش پرسشنامه بوده است... به‌منظور تائید پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شد. پرسش نامه مذکور شامل شش بخش بود که عبارت اند از ۱- اطلاعات فردی ۲- خودکارآمدی ۳- صلاحیت کارآفرینی ۴- ترس از شکست ۵- ریسک پذیری ۶- یادگیری تجربی. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. ابتدا با استفاده از آمار توصیفی از وضعیت و ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان با استفاده از نرم افزار SPSS22 آگاهی یافته و در ادامه برای بررسی و آزمون فرضیه‌ها و بررسی روابط علی متغیرهای موجود در تحقیق از مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم افزار AMOS22 استفاده شده است.

پایایی و روایی پرسشنامه

الف- روش باز آزمایی: برای این منظور ابتدا پرسشنامه طراحی شده بر روی یک گروه ۲۵ نفری و در فاصله دو هفته به صورت آزمایشی اجرا شد و بعد از این امر، همبستگی این دو مرحله محاسبه گردید. مقدار همبستگی برابر ۰/۸۴۹ محاسبه شد که مقدار قابل قبولی است.

ب- روش آلفای کرونباخ: روش دیگری که برای سنجش و برآورد پایایی پرسشنامه از آن استفاده شد محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بود. مقدار آلفای کرونباخ برای یک نمونه ۳۰ تایی برابر ۰/۸۹۷ محاسبه شد که مقدار قابل قبولی است.

جدول (۱). ویژگی های جمعیت شناختی نمونه آماری

جنسیت	زن		مرد	
	۱۲۱ (۳۶/۷٪)		۲۰۹ (۶۳/۳٪)	
سن	۲۰ تا ۲۵ سال		۲۶ تا ۳۰ سال	
	۲۸ (۸/۵٪)		۷۹ (۲۳/۹٪)	
میزان تحصیلات	دیپلم و پایین تر		فوق دیپلم	
	۶۶ (۲۰٪)		۸۸ (۲۶/۷٪)	
سابقه کارآفرینی	۵ سال و کمتر		۶ تا ۱۰ سال	
	۸۳ (۲۵/۲٪)		۱۰۹ (۳۳٪)	
کارشناسی ارشد و بالاتر	کارشناسی		کارشناسی ارشد و بالاتر	
	۵۲ (۱۵/۷٪)		۱۲۴ (۳۷/۶٪)	

همانطور که از داده های جدول (۱) مشخص است، ۳۶/۷٪ پاسخ دهندگان زن و ۶۳/۳٪ آن ها مرد هستند. سن اکثر پاسخ دهندگان (۳۶/۴٪) بین ۳۱ تا ۳۵ سال، میزان تحصیلات اکثر پاسخ دهندگان (۳۷/۶٪) کارشناسی و سابقه کارآفرینی اکثر پاسخ دهندگان (۳۳٪) بین ۶ تا ۱۰ سال است.

جدول (۲). مقادیر شاخص های توصیفی مولفه های پژوهش

مولفه	انحراف معیار \pm	میانگین	میان	مد	آماره	سطح معناداری
ترس از شکست	$0.567 \pm 3/69$	3/71	4/14	0.77	0/191	
ریسک ادراک شده	$0.563 \pm 3/51$	3/50	4	0.73	0/196	
خودکارآمدی	$0.685 \pm 3/41$	3/50	3	0.65	0/202	
توسعه شایستگی کارآفرینی	$0.652 \pm 3/22$	3/14	3/14	0.82	0/184	

یادگیری تجربی	۰/۴۹۶ ± ۳/۳۰	۳/۲۸	۳/۱۴	۰/۰۹۰	۰/۱۷۳
کارآفرینی	۰/۶۴۹ ± ۳/۱۸	۳/۲۰	۲/۸۰	۰/۱۰۲	۰/۱۶۵

با توجه به جدول (۲)، در بین مولفه های پژوهش بیشترین مقدار میانگین مربوط به مولفه «ترس از شکست» با مقدار میانگین (۳/۶۹) و کمترین مقدار مربوط به مولفه «کارآفرینی» با مقدار میانگین (۳/۱۸) است. همچنین سطح معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای تمامی مولفه ها بزرگتر از مقدار ۰/۰۵ است. بنابراین تمامی مولفه ها دارای توزیع نرمال می باشند. نتایج آزمون بررسی کفایت داده ها

برای تحلیل عاملی از شاخص KMO استفاده می شود. مقدار این شاخص برای داده های این تحقیق برابر با ۰/۷۷۲ به دست آمده است. این شاخص در دامنه ی صفر تا یک قرار دارد، و هر چه مقدار این شاخص به یک نزدیک تر باشد داده های مورد نظر اندازه نمونه برای تحلیل عاملی مناسب تر هستند. از آزمون بارتلت نیز برای بررسی چگونگی ماتریس همبستگی استفاده می شود.

جدول (۳). مقدار آماره آزمون KMO و بارتلت

آزمون KMO		۰/۷۷۲
آزمون بارتلت	χ^2	۴۰۷۱/۳۴۴
	درجه آزادی	۷۰۳
	Sig	۰/۰۰۱

آزمون بارتلت همانگونه که در جدول (۳) داده شده است کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ بوده و فرض یکه بودن ماتریس همبستگی رد می شود و نتیجه می شود که تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار متغیرها مناسب است.

جدول (۴). مقادیر آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و AVE برای مولفه های تحقیق

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE
ترس از شکست	۰/۷۸۳	۰/۷۶۴	۰/۵۴۸
ریسک ادراک شده	۰/۸۷۸	۰/۷۲۹	۰/۶۵۳
خودکارآمدی	۰/۸۴۵	۰/۷۵۲	۰/۶۵۸
توسعه شایستگی کارآفرینی	۰/۸۸۶	۰/۷۳۸	۰/۵۶۱
یادگیری تجربی	۰/۸۳۲	۰/۸۶۱	۰/۶۸۵
احتمال انتقال کارآفرینی ترکیبی به کارآفرینی تمام وقت	۰/۸۹۳	۰/۸۵۷	۰/۶۴۷

همانطور که از جدول (۴) مشخص است، مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی در تمامی مولفه‌ها بزرگتر از مقدار ۰/۷ است. بنابراین پایایی پرسشنامه پژوهش مورد تایید است. همچنین مقدار AVE تمامی شاخص‌های پژوهش بالاتر از مقدار ۰/۵ است. بنابراین روایی همگرای سوالات پرسشنامه نیز مورد قبول می‌باشد.

چنانچه جذر میانگین واریانس استخراج شده (\sqrt{AVE}) برای یک متغیر بزرگتر از همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها باشد، روایی تشخیصی برای آن متغیر وجود دارد. در جدول زیر اعداد روی قطر اصلی جذر میانگین واریانس استخراج شده می‌باشند.

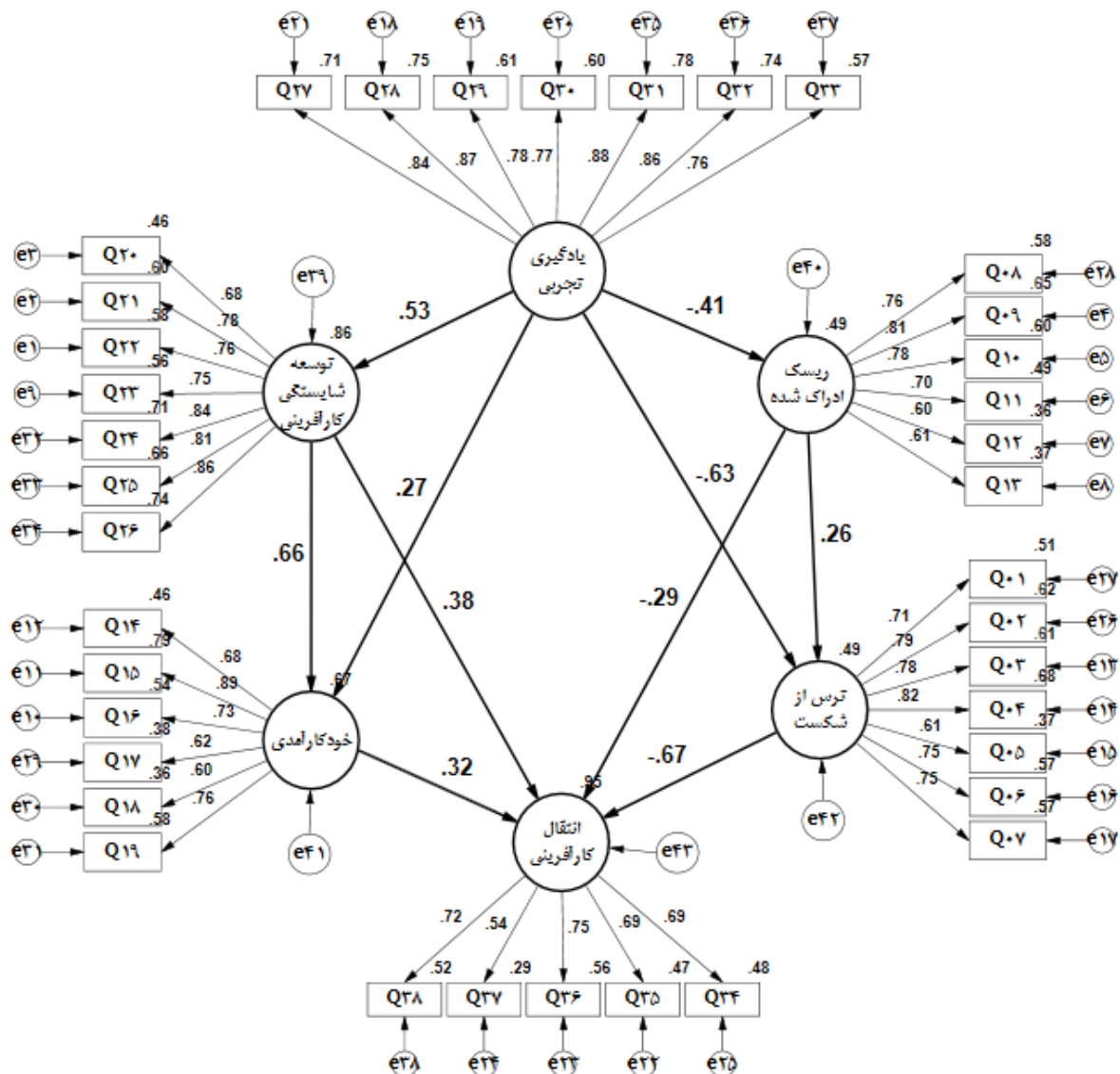
جدول ۵: AVE و همبستگی بین متغیرهای پرسشنامه تحقیق

ردیف	شاخص	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	ترس از شکست	۰/۷۴۰					
۲	ریسک ادراک شده	۰/۳۵۱	۰/۸۰۸				
۳	خودکارآمدی	-۰/۴۲۸	-۰/۳۰۵	۰/۸۱۱			
۴	توسعه شایستگی کارآفرینی	-۰/۳۶۵	-۰/۴۱۱	۰/۵۶۴	۰/۷۴۹		
۵	یادگیری تجربی	-۰/۵۰۵	-۰/۲۸۹	۰/۳۸۵	۰/۶۱۱	۰/۸۲۸	
۶	احتمال انتقال کارآفرینی ترکیبی به تمام وقت	-۰/۳۸۲	-۰/۷۲۰	۰/۳۱۹	۰/۲۸۹	۰/۴۸۹	۰/۸۰۴

همانطور که از داده‌های جدول ۵ مشخص است، جذر میانگین واریانس استخراج شده برای هر متغیر بیشتر از همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها است. بنابراین روایی تشخیصی پرسشنامه تحقیق مورد تایید است.

آزمون برازش الگوی مفهومی

هدف از ارزیابی برازش کل مدل این است که مشخص شود تا چه حد کل مدل با داده های تجربی مورد استفاده سازگاری و توافق دارد.



شکل ۱- ضرایب تخمین استاندارد مدل ساختاری پژوهش

نیکوئی برازش مدل

در نهایت جهت برازش مدل ساختاری تحقیق نیز از تعدادی از شاخص های نیکوئی برازش استفاده شده است. جدول ۶ بیانگر مهمترین شاخص های برازش می باشد. مقادیر نشان می دهند که الگوی مفهومی پژوهش جهت تبیین و برازش از وضعیت مناسبی برخوردار است.

جدول ۶. شاخص های برازش مدل ساختاری

نتیجه	مقدار مطلوب	نام شاخص	شاخص برازش
۲/۴۵۹	$< 3/00$	شاخص مجذور کای	$Chi-Square/df$
۰/۰۷۱	$< 0/08$	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	$RMSEA$
۰/۰۳۸	$< 0/05$	شاخص میانگین مجذور باقی مانده ها	RMR
۰/۹۵۲	$> 0/90$	شاخص نیکویی برازش	GFI
۰/۹۲۵	$> 0/90$	شاخص نرم شده برازندگی	NFI
۰/۹۴۲	$> 0/90$	شاخص برازش تطبیقی	CFI
۰/۹۵۴	$> 0/90$	شاخص برازندگی فزاینده	IFI

با توجه به خروجی آموس مقدار χ^2/df دو ۱۶۱۱/۲۲۵ و درجه آزادی ۶۵۵ محاسبه شده است. بنابراین مقدار حاصل تقسیم کای دو بر درجه آزادی برای مدل مفهومی پژوهش برابر با ۲/۴۵۹ می باشد که مقدار قابل قبولی است. همچنین خروجی مدل مقدار شاخص برازندگی ریشه میانگین مجذورات تقریب خطا را برابر با ۰/۰۶۶ نشان می دهد. که مقدار قابل قبولی است. دو شاخص مطرح شده در بالا و همچنین باقی شاخص های برازندگی مقدار قابل قبولی را دارند که این امر نشان دهنده تفاوت اندک میان مدل مفهومی پژوهش با داده های مشاهده شده تحقیق است.

جدول (۷). نتایج حاصل از ارزیابی مدل ساختاری

ردیف	مسیر		ضریب مسیر (β)	عدد معنی- داری (t-value)	نتیجه آزمون
	از متغیر	به متغیر			
۱	یادگیری تجربی	ترس از شکست	-۰/۶۳	-۸/۷۳۱	تائید فرضیه
۲	یادگیری تجربی	ریسک ادراک شده	-۰/۴۱	-۶/۲۶۹	تائید فرضیه
۳	یادگیری تجربی	توسعه شایستگی کارآفرینی	۰/۵۳	۸/۲۹۶	تائید فرضیه
۴	یادگیری تجربی	خودکارآمدی	۰/۲۷	۳/۱۹۷	تائید فرضیه
۵	ریسک ادراک شده	احتمال انتقال از کارآفرینی ترکیبی به تمام وقت	-۰/۲۹	-۳/۹۹۲	تائید فرضیه
۶	ریسک ادراک شده	ترس از شکست	۰/۲۶	۳/۷۸۲	تائید فرضیه
۷	ترس از شکست	احتمال انتقال از کارآفرینی ترکیبی به تمام وقت	-۰/۶۷	-۸/۴۹۶	تائید فرضیه
۸	توسعه شایستگی کارآفرینی	احتمال انتقال از کارآفرینی	۰/۳۸	۶/۹۸۵	تائید فرضیه

ترکیبی به تمام وقت				
۹	خودکارآمدی	احتمال انتقال از کارآفرینی ترکیبی به تمام وقت	۰/۳۲	۴/۸۱۰
۱۰	توسعه شایستگی کارآفرینی	خودکارآمدی	۰/۶۶	۱۰/۴۳۵

نتیجه گیری

بررسی عواملی که احتمال تغییر از کارآفرینی ترکیبی به تمام وقت را تسهیل نماید حائز اهمیت بسیار می باشد یادگیری تجربی در این مسیر نقش مهمی را ایفا مینماید، زیرا بهره گیری از این گونه یادگیری باعث افزایش احتمال انتقال به کارآفرینی تمام وقت و همچنین ایجاد مهارت و شایستگی لازم جهت ورود موفقیت آمیز به کارآفرینی تمام وقت را مهیا می نماید. هنگامی که یادگیری کافی صورت گرفت و کارآفرین ترکیبی دانش لازم را کسب نمود، وی می تواند شروع به کار یک کارآفرینی تمام وقت نماید. بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش عوامل مؤثر بر حرکت از سمت کارآفرینی ترکیبی به سمت کارآفرینی تمام وقت عبارتند از ترس از شکست، ریسک ادراک شده، توسعه شایستگی کارآفرینی و خودکارآمدی که تقویت هر یک از موارد در سایه یادگیری تجربی می تواند زمینه ورود و موفقیت پایدار تغییر از کارآفرینی ترکیبی به تمام وقت را تسهیل نماید.

لذا این پژوهش با هدف عوامل مؤثر بر تغییر کارآفرینی ترکیبی به کارآفرینی تمام وقت با تاکید بر نقش تئوری یادگیری تجربی انجام شد. نتایج فرضیه اول با توجه به آماره تی (۸,۳۷-) نشان داد یادگیری تجربی بر ترس از شکست تاثیر دارد. این یافته با نتیجه گزارش شده توسط شن و همکاران (۲۰۰۶) همسویی دارد.

نتایج فرضیه دوم با توجه به آماره تی (۶,۲۶۹-) نشان داد که یادگیری تجربی بر ریسک ادراک شده تاثیر دارد. این یافته با نتایج بلاک و لاندگراف (۲۰۱۶) و سلیمانی و شهرکی (۱۳۹۹) همسویی دارد. نتایج فرضیه سوم با توجه به آماره تی (۸,۲۹۶) نشان داد که یادگیری تجربی بر شایستگی کارآفرینی تاثیر دارد. نتیجه بدست آمده در این فرضیه با نتایج گزارش شده توسط پیترسون (۲۰۰۹) مطابقت دارد. نتایج فرضیه چهارم با توجه به آماره تی (۳,۱۹۷) نشان داد که بدین معنی که یادگیری تجربی بر خودکارآمدی تاثیر دارد. نتایج گزارش شده توسط برک و همکاران (۲۰۰۸) نیز با یافته های بدست آمده در این فرضیه هسو است. نتایج فرضیه پنجم با توجه به آماره تی (۳,۹۹۲) نشان داد که ریسک ادراک شده بر احتمال کارآفرینی ترکیبی به کارآفرینی تمام وقت تاثیر دارد. این یافته با نتایج فریا و همکاران (۲۰۲۱) همخوانی دارد. نتایج فرضیه ششم با توجه به آماره تی (۳,۷۸۲) نشان داد که بدین معنی که ریسک ادراک شده بر ترس از شکست تاثیر دارد. این یافته با نتایج

فریا و همکاران (۲۰۲۱) همخوانی دارد. نتایج فرضیه هفتم با توجه به آماره تی (۸,۴۹۶-) نشان داد که ترس از شکست بر احتمال کارآفرینی ترکیبی به کارآفرینی تمام وقت تاثیر دارد. این یافته با نتایج فریا و همکاران (۲۰۲۱) و کاکسیوتی (۲۰۱۶) همخوانی دارد. نتایج فرضیه هشتم با توجه به آماره تی (۶,۹۸۵) نشان داد که توسعه شایستگی کارآفرینی بر احتمال انتقال کارآفرینی ترکیبی به کارآفرینی تمام وقت تاثیر دارد. این یافته با نتایج فریا و همکاران (۲۰۲۱) همخوانی دارد. نتایج فرضیه نهم با توجه به آماره تی (۴,۸۱۰) نشان داد که خودکارآمدی بر احتمال کارآفرینی ترکیبی به کارآفرینی تمام وقت تاثیر دارد. نتایج فریا و همکاران (۲۰۲۱) و غیائی (۱۳۹۵) با این یافته همسویی دارد. نتایج فرضیه دهم با توجه به آماره تی (۱۰,۴۳۵) نشان داد که توسعه شایستگی کارآفرینی بر خودکارآمدی تاثیر دارد. نتایج مک گی و پترسون (۲۰۰۹) و فریا و همکاران (۲۰۲۱) با این یافته همسویی دارد.

پیشنهادهای:

در راستای نتایج تحقیق و با تاکید بر یادگیری تجربی قبل از گذار از کارآفرینی ترکیبی به تمام وقت می توان پیشنهادهای زیر را جهت افزایش احتمال موفقیت از کارآفرینی ترکیبی به تمام وقت ارائه داد:

داشتن پشتوانه مالی، پذیرش ریسک را در کارآفرینان ترکیبی افزایش می دهد و به صورت متقابل ترس از شکست را نیز در آنها کاهش می دهد. اما داشتن این نگرش، زمینه شکست در این قسم از کارآفرینی را فراهم می آورد زیرا این نوع از کارآفرینان با تکیه بر منابع مالی حاصل از شغل حقوق بگیری خود توانایی تحلیل های مالی را نسبت به کارآفرینی تمام وقت، کاهش می دهد و عملکرد ضعیفی در این رابطه ایجاد می نماید. لذا به کارآفرینان ترکیبی توصیه میشود آموزش های تحلیل های مالی را قبل از ورود به کارآفرینی تمام وقت فراگیرند.

ارایه آموزشهای لازم به کارآفرینان ترکیبی به صورت ضمن خدمت - به صورت حضوری یا الکترونیکی - به منظور ایجاد دانش، انگیزه و مهارت لازم در خصوص اصول و مبانی یادگیری تجربی و آموزشهای کارآفرینانه.

تعامل کارآفرینان ترکیبی با مراکز رشد و فناوری باعث توسعه شایستگیهای آنان در راستای فعالیتهای کارآفرینی تمام وقت میگردد لذا ایجاد سازو کارهای لازم برای ایجاد این تعامل با مراکز رشد و پارک های علم و فناوری جهت توسعه شایستگی کارآفرینان ترکیبی و افزایش احتمال تبدیل آنها به کارآفرینی تمام وقت می گردد.

برگزاری دوره های آموزشی ویژه برای کارآفرینان ترکیبی از قبیل خلاقیت، توانایی، شناخت و استفاده صحیح از فرصتها، تمایل مخاطره پذیری، استقلال و تعهد نسبت به کارآفرینی، تمایل به حل مشکلات با استفاده از تکنیک های حل مسایل باعث بهبود توانایی خودکارآمدی آنان می گردد.

استفاده از تخصص اساتید و، مطالعات موردی و تجربیات دیگران، جهت افزایش آگاهی کارآفرینان ترکیبی قبل از مرحله ورود به کارآفرینی تمام وقت می تواند اثرات مثبتی را ایجاد نماید..

فهرست منابع

- حسینی گیلوای، ملاحی و مهدیزاده، حسین (۱۳۹۸). مقایسه شایستگیهای کارآفرینانه کارآفرینان حقوق بگیر با سایر کارآفرینان و حقوق بگیران. نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۱۲، (۵۶۰-۵۴۱)
- حاج کاظمیان، محسن و جلوانی، مینا و شریعتی، محمد، ۱۳۹۷، بررسی رابطه بین استعداد کارآفرینی و خودکارآمدی کارآفرینانه با در نظر گرفتن تأثیر آموزش کارآفرینی، نخستین کنفرانس ملی مدارس کارآفرین (رویکردها، نظریه ها، ابعاد و تجارت کاربردی از کشورهای موفق)، اصفهان،،، <https://civilica.com/doc/781372>
- دیانتی، مژگان، کریمی، آصف، اکبری، مرتضی. (۱۳۹۷). تأثیر خودکارآمدی کارآفرینانه بر تشخیص فرصتها: با ملاحظه نقش اشتیاق کارآفرینانه شرکت های دانش بنیان مستقر در پارک های علم و فناوری شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، doi: 10.22059/jed.2018.238421.652274، ۸۰-۶۱، (۱)، ۱۱،
- رضائی، مسعود. (۱۳۹۸). رابطه ی بین خودکارآمدی کارآفرینانه و نیت کارآفرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران. ۵۰ (۲)، ۴۰۹-۴۱۹.
- غلامی، حسام الدین، علم بیگی، امیر، صفا، لیلا، درینی، روح الله. (۱۳۹۴). تأثیر شایستگی های کارآفرینانه در شکل گیری هوشیاری کارآفرینانه (مورد مطالعه: شرکت های خدمات مشاوره کشاورزی استان کرمان). فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی. ۵۷۰-۵۵۱، (۳)، ۸،
- غیائی، ع. (۱۳۹۵). تأثیر باور به خودکارآمدی و نگرش کارآفرینی با قصد کارآفرینی دانشجویان کشاورزی منابع طبیعی دانشگاه زابل، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۳۹، ۳-۱۵
- سلیمانی مریم، فروزنده شهرکی آسیه. عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی در بین دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه شهرکرد. راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی. ۱۳۹۹، ۷ (۱۴)، ۶۷-۷۷

Wong, C., & Ayoko, O.B. (2010). An experiential learning approach to teaching entrepreneurship in business education, 24th Annual Australian and New Zealand Academy of Management Conference: Managing for Unknowable Futures. 24th ANZAM Conference 2010, Adelaide, South Australia, (1-18), 8-10

Ferreira, C. C. (2021). Experiential learning theory and hybrid entrepreneurship: factors influencing the transition to full-time entrepreneurship. International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research.

Folta, T. B., Delmar, F., & Wennberg, K. (2010). Hybrid entrepreneurship.

- Foo, C.T., Loh, S.W., & Tan, S.L. (2006). The Mind of a Technopreneur: Differentiating the Self-Leading, Entrepreneurial From Custodial, Managerial Female, *Technovation*, 26, 175-184.
- De Noble, A., Jung, D. and Ehrlich, S. (1999). Entrepreneurial self-efficacy: The development of a measure and its relationship to entrepreneurial action. In R.D. entrepreneurial self-efficacy, *Journal of Developmental Entrepreneurship*, 1(13): 3- 20.
- Deniz, N., Boz, İ. T., & Ertosun, Ö. G. (2011). The relationship between entrepreneur's level of perceived business-related fear and business performance. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 24, 579-600.
- Harrison, R.T., & Leitch, C.M. (2005). Entrepreneurial learning: Researching the interface between learning and the entrepreneurial context, *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(4), 351-371.
- Luthans. Fred (2008) *Organizational Behavior*, 11th ed. Boston: McGraw-Hill, Pages: 201-244.
- MacMillan, I., & McGrath, R.G. (2000). *The entrepreneurial mindset*, Cambridge, Mass.: Harvard Business School Press, 2000.
- Minniti, M. (2010). Female entrepreneurship and economic activity. *The European Journal of Development Research*, 22(3), 294-312
- Carland, J W. Carland, J, “entrepreneurship education: An integrated approach using an experiential learning paradigm” Paper presented at The Premier Conference on Entrepreneurship Education and Training, IntEnt97, Monterey, California, 1997.
- Shen, pi and chai-lip, “Changing Entrepreneurial Perceptions and Developing Entrepreneurial, Competencies through Experiential Learning” *Journal of Asia Entrepreneurship and Sustainability*, Vol. 2 Iss: 2, pp 162-191, 2006.
- Folta, T. B., Delmar, F., & Wennberg, K. (2010). Hybrid entrepreneurship. *Management science*, 56(2), 253-269.
- Thorgren, S., Nordström, C., & Wincent, J. (2014). Hybrid entrepreneurship: the importance of passion. *Baltic Journal of Management*.
- Solesvik, M. Z. (2017). Hybrid entrepreneurship: how and why entrepreneurs combine employment with self-employment. *Technology Innovation Management Review*, 7(3.(۱۱)).
- Stroe, S., Parid, V., and Wincent, J. (2018). Effectuation or causation: An fsQCA analysis of entrepreneurial passion, risk perception, and self-efficacy. *Journal of business research*, 89, 265-272
- . Kolb, A.D. 2015. *Experiential learning: Experience as the source of learning and development*. Upper Saddle River, NJ: Pearson Education, Inc.
- Harris, S., T. Forbes and M. Fletcher. 2000. Taught and enacted strategic approaches in young enterprises. *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 6(3): 125-144.
- McGee, J. E., Peterson, M., Mueller, S. L., & Sequeira, J. M. (2009). Entrepreneurial self-efficacy: refining the measure, *Entrepreneurship Theory and Practice*, 33(4), 965-988

- Reynolds, P., Bygrave, W., & Autio, E. (2003). Global Entrepreneurship Monitor, 2003 Executive Report (Babson College, London Business School and Kauffman Foundation).
- salehi, M., R.A. Gholizadeh and M.R. Sadeghi. 2011. Determining the feasibility of developing New educational technology with ICT approach in Sari Primary Schools. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 1(4): 23-36.
- Shaw, E. 2004. Marketing in the social enterprise context: is it entrepreneurial? *Qualitative Market Research*, 7(3):194-205.
- Cacciotti, G., Hayton, J. C., Mitchell, J. R., & Giazitzoglu, A. (2016). A reconceptualization of fear of failure in entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 31(3), 302-325
- Thorgren, S., Sirén, C., Nordström, C., & Wincent, J. (2016). Hybrid entrepreneurs' second-step choice: The nonlinear relationship between age and intention to enter full-time entrepreneurship. *Journal of Business Venturing Insights*, 5, 14-18.
- Mueller, S.L. and Goic, S. (2009). East-West differences in entrepreneurial self-efficacy: Implications for entrepreneurship education in transition economies. *International Journal of Entrepreneurship Education*, 1(4):613-632
- Barabosa, S.D., Gerhardt, M.W., and Kickul, J. R. (2007). The role of cognitive style and risk performance on entrepreneurial self- efficacy and entrepreneurial intention, *Journal of Leadership and Organizational Studies*,13(4): 86-104
- Karlsson,T.and Moberg,K.(2013). Improving perceived entrepreneurial abilities through education: Exploratory testing of an entrepreneurial self efficacy scale in a pre-post setting,*The international journal of management education*.
- Woodier-Harris, N.R. (2010). Evaluating the impact of SPEED on students' career choices: A pilot study, *Education + Training*, 52(6/7), 463-476.
- Wennberg, K., Pathak, S. and Autio, E. (2013), "How culture moulds the effects of self-efficacy and fear of failure on entrepreneurship", *Entrepreneurship and Regional Development*, Vol. 25 Nos 9–10, pp. 756-780.
- Erikson, T. (2003). Towards a taxonomy of entrepreneurial learning experiences among potential entrepreneurs, *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 10(1), 106-112.
- Gangemi, A., & Mancini, F., (2007). Guilt and focusing in decisionmaking. *Journal of Behavioral Decision Making*, 20 (1), 1–20.